



تحولات اقتصادي، سياسي و اجتماعي ايران *

از: شهیندخت خوارزمی



ایران، سرزمینی است پراز اعجاب و شگفتی و با همین ویژگی وارد قرن و هزاره بعدی می‌شود. طی تاریخ پر آشوب و مسیر ناهموار سه هزار سال تحول تمدنی خویش، همواره کانون آشوب و در عین حال نوآوری و تحول بوده است. و البته همین نوآوری و تحول عامل بقای تمدن و فرهنگ ایران در برابر مهاجمان بیرونی و درونی بوده است که قصد نابودیش را داشته‌اند. اگر بخواهیم ایران را با یک صفت توصیف کنیم، resilience است. همان نیزی که در محیط‌های پر توفان و بحران خیز و پنییده و پر رقابت و پر تحول امروزی، مکانیسم بقا و توسعه تلقی می‌شود و فرد، سازمان و جامعه را در برابر فشارهای بنیان‌برانداز پا برجا می‌دارد.

تحولات تاریخ معاصر ایران با انقلاب مشروطیت آغاز می‌شود که در واقع حرکتی است ملی برای شکل دادن به نظام سیاسی- اجتماعی ایران و می‌خواهد جامعه را از ننگ تمامیت خواهی، دیکتاتوری و استبداد رژیم حاکم رها سازد. این انقلاب در ۱۹۰۶ به وقوع پیوست. سپس با نهضت ملی شدن نفت در دهه ۱۹۵۰، ایران نشان داد که سلطه بیگانه را بر منابعش نمی‌پذیرد. و این دو واقعه تاریخی، آغاز فرایند سخت و پر درد دموکراتیزه شدن و مشارکت مردم ایران در سرنوشت سیاسی- اجتماعی- اقتصادی خویش به شمار می‌آیند و البته انقلاب سال ۱۹۷۹، نیز به یک معنا، انفجار مشارکت مردم بود برای تغییر رژیم سیاسی و اکنون پس از دو دهه از آن انقلاب، جامعه ایران وارد مرحله تازه‌ای از توسعه خود شده است.

برای تحلیل تحولات اخیر ایران بهتر است با دید سیستمی نگاهی داشته باشیم به زمینه جهانی این تحولات. زیرا، عامل بروز این تحولات، دو دسته نیرو است که هر دو را باید کانون توجه قرار داد: دسته اول نیروهایی است که از فرایند تحول توسعه‌ای جامعه و از بطن آن برخاسته‌اند و دسته دوم نیروهایی است که منشأ آن تحول تمدن جهانی است. ترکیب این دو نیرو است که تحولات امروزی جامعه ایران را شکل می‌دهند. حذف یکی به نفع دیگری، تبیین این تحولات را با نقص عمده‌ای مواجه خواهد ساخت. بر مبنای این استدلال است که نگاه کوتاهی خواهیم داشت به مهمترین روندهای تحول جهانی.

* این مقاله توسط نگارنده در اجلاس سالانه MESA (Middle East Studies Association) که در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۹۹ در واشنگتن برگزار شد، ارائه گردید.

اگر نظام جهانی را مرکب از جوامعی بدانیم که بر کره زمین ساکنند، بانگاہی به سیر تحول این نظام طی دو هزاره اخیر، متوجه می‌شویم که در پایان هزاره دوم و در آغاز هزاره سوم، نظام جهانی وارد نرخ‌شگاه تمدنی پهنیده‌ای شده است که هرند کشورهای پیشرفته پیشگامی آن را برعهده دارند، ولی آثار و پی‌آمدهایش از مرزهای به شدت نفوذ پذیر شونده حتی بسته‌ترین جوامع عبور کرده و حیات اجتماعی همه مردمان را تحت تأثیر قرار داده است. نیروی محرکه این گذر، شتاب تحولات علمی- تکنولوژیکی است که حوزه تأثیر آن از بنیانهایی مادی و سپهر فنی فراتر رفته و همه عرصه‌های زندگی بشر را دربر گرفته است. البته باید اذعان داشت که پدیده‌های امروزی آنقدر پهنیده و درهم تنیده‌اند که نمی‌توان یک عامل را از میان ترکیب پرتعامل عوامل بشمار جدا ساخت و آن را علت تحولاتی نامید که آثار بسیار گسترده و عمیقی برجای گذاشته است. ولی با نگاهی به پیشرفتهایی پرشتاب علمی- فنی از نیمه دوم قرن بیستم به این سو، متوجه می‌شویم که دستاوردهای حوزه ژنتیک و علوم زیستی و علوم فضایی و انفورماتیک و ارتباطات، هریک زنجیره‌ای از تحولات را به راه انداخته‌اند که در ترکیب باهم نیروی عظیمی پدید آورده‌اند. اگر تنها پیشرفتهایی انفورماتیک و ارتباطات را در نظر بگیریم، خواهیم دید که دستاوردهای این دو تحول، الگوهای تازه‌ای برای کار، فراغت، تولید ثروت، جنگیدن، تفکر، خلاقیت علمی- فنی، مناسبات اجتماعی، تجارت، سرگرمی و ارائه داده‌اند و در مجموع، رابطه انسان را با هستی دگرگون کرده‌اند.

انقلاب دیجیتال که نتیجه طبیعی این تحولات است، باعث اشاعه و تسریع دو روند مهم شده است که هر یک در جای خود آثار مثبت و منفی عمیقی بر زندگی بشر دارند. این دو روند که عبارتند از virtualization و globalization، از مرزهای ملی عبور کرده و همه جوامع از جمله ایران را -البته ناخواسته- تحت تأثیر قرار داده‌اند. بسیاری از فعالیت‌هایی که پیش از این در عرصه ملی انجام می‌شد و تابع قاعده بازی شناخته شده‌ای بود، اکنون به عرصه شبکه‌های مجازی و شبکه‌های جهانی انتقال یافته است، که از قاعده بازی خاص خودش پیروی می‌کند و جوامع سنتی برای آن که بتوانند در این عرصه‌ها در جهت منافع ملی خود حضوری فعال داشته باشند مجبورند به این قاعده بازی تن دهند و آن را بیاموزند و همین امر باعث می‌شود تا الگوهای رفتاری و فکری آنان دگرگون شود.

اگر از زاویه‌ای دیگر به مسأله بنگریم، متوجه می‌شویم که بر پدیده‌های علمی-تکنولوژیکی نوعی جبر حاکم است و نمی‌توان در برابر این جبر ایستادگی کرد. امروزه، تولید ثروت و توسعه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بدون استفاده از دانایی‌های پیشرفته میسر نیست. در واقع، شرایط به گونه‌ای است که هیئ کشوری نمی‌تواند بدون استفاده از آخرین دستاوردهای علمی- فنی، نیازهای جامعه خود را تأمین کرده و امور خویش را اداره کند. و همین اجبار جوامع را به عرصه‌های جهانی و مجازی کشانده است. در واقع virtualization و globalization، جبر بقا و توسعه در جهان امروز به شمار می‌روند و البته با فرصتها و تهدیدهای بسیار. ایران، اگر با نئین فشارهایی از محیط جهانی به ویژه در دهه اخیر- مواجه نشده بود، شاید فرایند توسعه عمیق و واقعی درونیش این نئین آغاز نمی‌شد. بررسی کلی تحولات سه دهه اخیر ما را به این نتیجه می‌رساند که ایران در برابر فشار تحولات جهانی سه واکنش متفاوت داشته است:

الف - در دهه ۱۳۵۰، به ویژه پس از شوک‌های نفتی این دهه و دستیابی به درآمد سرشار حاصل از صدور نفت modernization پرشتابی را با تأکید بر مدرنیسم اقتصادی- فنی آغاز کرد.

ب - اواخر دهه ۱۳۵۰ با وقوع انقلاب اسلامی، فرایند de-modernization به عنوان واکنشی تند در برابر مدرنیسم آغاز شد که سعی کرد با نفی الگوی غربی توسعه و زدودن مظاهر رفتاری آن، با همان شتاب وضعیتی را حاکم کند که بیشتر بر "اسلامی کردن" تأکید داشت و در واقع حوزه اقتصاد به نفع حوزه فرهنگ کنار گذاشته شد.

ج - اواخر دهه ۱۳۶۰، تحت تأثیر فشارهای گوناگون درونی و بیرونی، از جمله رشد فزاینده جمعیت و کاهش درآمدهای نفت و تماس با جهان پیشرفته، re-modernization آغاز می‌شود. در این دوره ایران، با تأکید بر "سازندگی" سعی دارد مظاهر مدرن زندگی را در عرصه اقتصادی- فنی از نو و با شتاب جذب کند. اما این مدرنیسم با مدرنیسم دهه ۱۳۵۰ تفاوت عمده دارد و الزامات ملی و جهانی آن نیز دیگری است و تحت فشار همین الزامات است که امروزه همان‌گونه که در این نوشته خواهیم دید، شواهدی پدیدار شده که نشان می‌دهد ایران در مسیر توسعه عمیق و پایدار خویش قرار گرفته است، مسیری که شاید بر خلاف نخستین دوره مدرنیسم، برگشت‌پذیر نباشد.

بحث را با نگاهی دقیق‌تر به تحولات سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ پی می‌گیریم. در این بخش از بحث، با اجتناب از تحلیل تاریخی- برای جلوگیری از بسط کلام- به استناد آمار و اطلاعات موجود، آخرین وضعیت ایران ترسیم خواهد شد. فرض کلی این نوشته آن است که خواه از نگاه جهانی و یا نگاه ملی، عرصه مهم تحولات اجتماعی در ایران، حوزه اقتصاد است و در واقع نیروهای این حوزه، حوزه‌های دیگر را به تحول واداشته است و در واقع الزامات اقتصاد و نیروهای اقتصادی است که جوامعی نون ایران را به سمت آن دسته از تحولات اجتماعی- سیاسی- فرهنگی سوق می‌دهد که زمینه را برای پیشرفت اقتصادی فراهم آورد. برپایه نئین فرضی است که بحث تحولات ایران را با تحولات اقتصادی آغاز می‌کنیم.

اقتصاد ایران:

صاحب‌نظران می‌گویند ایران از نظر اقتصادی طی دوره ۱۳۴۰-۱۳۷۶ از يك کشور در حال توسعه به درآمد سرانه‌ای حدود ۱۸۰ هزار ریال (به قیمت‌های سال ۶۱) و ۴۵ درصد جمعیت روستایی به کشوری نیمه صنعتی با ۶۲ درصد جمعیت شهرنشین و درآمد سرانه‌ای حدود ۲۷۰ هزار ریال (به قیمت‌های سال ۱۳۶۱) تبدیل شده است.

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد طی سه دهه اخیر (۱۳۴۶-۱۳۷۶)، تولید ناخالص داخلی (GDP) در ایران به طور متوسط سالانه ۴/۲ درصد رشد داشته است که با توجه به نرخ متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت، که ۲/۸ درصد بوده است، تولید ناخالص داخلی تنها ۱/۴ درصد رشد داشته است، که وضعیت نامطلوبی است.

جدول ۱- تغییرات تولید ناخالص داخلی و سهم بخش‌های اصلی اقتصاد طی دوره ۱۳۷۵-۴۶

(میلیارد ریال به قیمت ۱۳۶۱)

	۱۳۴۶	۱۳۷۵	متوسط رشد سالانه
تولید ناخالص داخلی	۴۷۹۸/۹	۱۶۱۸۸/۳	۴/۲ درصد
سهم بخشها (درصد)			

خدمات	۲۷/۲	۳۹	۵/۵
صنایع و معادن	۱۰/۴	۲۱/۵	۶/۹
کشاورزی	۲۰	۲۳/۵	۴/۸
نفت	۴۲/۳	۱۵/۸	۰/۷

منبع: بانک مرکزی، شماره‌های مختلف گزارش اقتصادی سالانه

طی این دوره، سهم نفت از GDP کاهش یافته است، که البته معلول کاهش درآمدهای حاصل از صدور نفت بوده است، نه رشد سریع‌تر بخشهای دیگر. ولی به هر حال نمایانگر آن است که وابستگی اقتصاد ایران به نفت رویه کاهش است که همراه با رشد سهم گاز و آب و برق و افزایش سهم بخش خدمات و صنعت و معدن در GDP، نشانه‌های تغییر ساختار اقتصاد ایران به شمار می‌آید. تحلیلهای اقتصادی نشان می‌دهد که طی سه دهه اخیر اقتصاد ایران از آسیب‌های زیر رنج برده است:

- عدم ثبات شاخصهای کلان اقتصادی به دلیل وابستگی به درآمد نفت: طی دوره ۴۹-۱۳۷۵ نرخ رشد اقتصادی در ایران بین ۱۶- تا ۱۶+ درصد در نوسان بوده است و این در حالی است که این رقم برای اندونزی بین ۰/۳- و ۹ درصد، در مالزی، ۴/۴ تا ۱۳/۳ درصد و در مجموعه کشورهای دنیا بین ۳/ تا ۶/۱ درصد بوده است.

- بالا بودن تمایل به مصرف خصوصی: اتکای بیش از حد به درآمد نفت، میل به سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه را محدود کرده است و نبود امنیت اقتصادی لازم برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، عدم توسعه کامل بازارهای سرمایه، پیشی گرفتن نرخ تورم بر نرخ سود بانکی، این وضعیت را تبیین می‌کند.

- پایین بودن نسبت سرمایه‌گذاری به GDP: طی سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۵ این نسبت کمتر از ۲۰ درصد بوده است - البته به جز سالهای ۵۴- ۱۳۵۶ و ۶۵- ۱۳۶۶. تورم، شوکهای نفتی، تفاوت نرخ ارز آزاد و رسمی و عدم اطمینان بخش خصوصی که معلول بی‌ثباتی سیاستهای اقتصادی، وجود ابهام در حقوق مالکیت و رقابت غیرمنصفانه از جانب نهادها و شرکتهای دولتی و بنیادهاست، از عوامل مؤثر پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری در ایران به شمار می‌روند.

با نگاهی به آخرین وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۶، می‌توان ویژگیهای زیر را بر شمرد:

- تورم مزمن (۱۸ درصد در سال ۱۳۷۶)
- بیکاری رویه افزایش
- کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (۵ درصد در ۱۳۷۵، برآورد آن برای ۱۳۷۶ ۳/۵ درصد)
- تعمیق رکود اقتصادی که از اواسط سال ۱۳۷۵ آغاز شده است
- توزیع نامناسب درآمدها
- کاهش درآمدهای نفتی
- سهم ناآرامی از تجارت جهانی (۰/۳۵ تا ۰/۴ درصد از مجموع ۱۰ هزار میلیارد دلار ارزش تجارت کالایی در جهان که شامل واردات و صادرات می‌شود و اگر نفت از آن حذف شود، به ۰/۰۶ درصد می‌رسد)

تحلیل‌گران اقتصاد کلان، عوامل زیر را علل وضعیت نابسامان اقتصاد ایران می‌دانند:

- جنگ
 - ناکارایی دستگاه اداری
 - ناکارایی نظام بانکی و بیمه
 - ضعف نظام مالیاتی در تأمین مخارج دولت و ایجاد توازن لازم در توزیع درآمدها
 - فقدان انعطاف‌پذیری لازم بازارهای کار و سرمایه
 - وجود نظام ارزی نامناسب و پیدایش بازار موازی ارز و نرخهای متعدد ارز
 - توسعه ناموزون مؤسسات اقتصادی بخش عمومی
- و برای خروج از این وضعیت و دستیابی به فرایند رشد و توسعه مستمر و پایدار اقتصادی که در آن نرخ رشد کمتر از ۶ درصد نباشد (تا بتواند مشکلات را حل کند)، راحلهای زیر را ارائه می‌دهند:

- ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذار
- جستجوی منابع تازه برای تشکیل سرمایه
- توسعه سریع و مستمر صادرات غیر نفتی
- استفاده از ظرفیتهای تولیدی موجود
- تشکیل سرمایه ثابت توسط بخش عمومی، تعاونی، خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی
- رفع موانع آزادسازی تجارت خارجی
- ایجاد نظام کارآمد بانکی و بیمه
- تحول نظام اداری
- آزاد گذاشتن تولید کننده در قیمت‌گذاری طبق قانون بازار
- ایجاد انعطاف در بازار کالا و کار
- جذب مدیریت علمی در اداره امور

با نگاهی دقیق‌تر به فهرست علل و راحلهای، شاید بتوان ادعا کرد که ریشه واقعی مشکلات اقتصاد ایران غیراقتصادی است و در واقع، اقتصاد ایران برای آن که بتواند ثروت و اشتغال مورد نیاز جامعه ایران را تأمین کند، نیاز دارد به بستری مناسب که بتواند زمینه را برای ثبات سیاست‌گذاری، امنیت سرمایه‌گذاری و نوسازی و تحول نظامهای پشتیبان و حضور فعال در عرصه‌های جهانی فراهم آورد. ضرورت این بستر سازی زمانی بیشتر احساس می‌شود که روندهای مهم تحول اقتصاد ایران را مورد توجه قرار دهیم. مهمترین این روندها به شرح زیر است:

- خصوصی سازی فعالیتهای تولیدی
- آزاد سازی تجارت (پذیرش ضرورت و اهمیت پیوستن به سازمان تجارت جهانی)
- حذف رانتهای
- جهانی شدن (تأکید بر استراتژی صادرات وسیعی در رفع موانع آن)

- جذب مدیریت علمی در بنگاه‌ها

- رقابتی شدن تولید کالاها و خدمات در بنگاه‌ها

پارهای از این روندها، از جمله خصوصی سازی هرند با نوساناتی، اما سابقه طولانی‌تری دارد و برخی دیگر از جمله سه روند آخر، تازه آغاز شده است. ولی به نظر می‌رسد موانعی که بر سر راه آنها وجود دارد اندک اندک از بین خواهد رفت و به يك معنا سرنوشت محتوم اقتصاد ایران حرکت به سمت این تحولات است و البته این روندها بیشتر تحت تأثیر الزامات جهانی و نفوذپذیر شدن مرزها در حال شکل‌گیری است. از سویی دیگر، در سالهای اخیر، نظام حکومت، پذیرفته است که تا مشکلات اقتصاد ایران حل نشود، هدفها و برنامه‌های دیگر قابل تحقق نخواهد بود و به نوعی توجه رهبری و مساولان حکومت به سمت حل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران و رفع موانع سیاسی و فرهنگی آن جلب شده است. هر نندتحقق هر دو امر دشوار و کند است. به نظر می‌رسد، مهمترین موانع غیراقتصادی، توسعه اقتصادی ایران به شرح زیر باشد:

- موانع حقوقی که بیشتر معلول عملکرد نادرست قوه قضاییه است. رفتار قوه قضاییه به گونه‌ای بوده است که امنیت لازم را برای سرمایه‌گذاری فراهم نیاورده است..

- موانع اجتماعی از جمله نرخ بالای رشد جمعیت، بیسوادی و جوان بودن جمعیت

- موانع فرهنگی به ویژه حضور فعال روحانیان و حاکمیت تفکر سنتی حوزوی (فقاها ساختاری) در امر سیاست‌گذاری و تصمیم سازی و اداره امور اقتصادی

- موانع سیاسی، از جمله نبود نشم‌انداز مشترک درباره آینده ایران در میان رهبران حکومت و نیز ضعف نهادهای دموکراتیک و ناتوانی نهادهای موجود در فراهم آوردن فضا و بستر مناسب برای فعالیت اقتصادی در حد معیارهای جهانی و شکوفایی ظرفیتهای و خلاقیتها.

با نگاهی به روندهای تحول ایران در حوزه‌های اجتماعی- فرهنگی- سیاسی خواهیم دید که این روندها به گونه‌ای است که می‌توان ادعا کرد حرکتی مثبت به سمت تحقق توسعه عمیق و پایدار ایران در این حوزه‌ها هرند کند و پر نوسان- آغاز شده است و امید می‌رود که با شتاب یافتن این روندها نه تنها زمینه مساعدتری برای حل مشکلات اقتصادی ایران فراهم شود، بلکه این جامعه در زمینه‌های دیگر نیز بتواند به سطح مناسبی از توسعه دست یابد. با توجه به منابع سرشاری که اقتصاد ایران برای توسعه خود در اختیار دارد، نشم‌انداز آینده روشن است. مهمترین این منابع به شرح زیر است:

- موقعیت ژاؤ- استراتژیک ایران و قرار گرفتن این کشور در منطقه مهم خاور میانه و مجاورت با بازار سیصد میلیون نفری

- دسترسی به دوآبراه مهم که از طریق یکی از آنها بخش اعظم سوخت جهان حمل می‌شود

- وجود منابع کانی سرشار و پر تنوع شامل هیدروکربورها و سایر کانیها

- نیروی انسانی جوان، باهوش و با مهارت و تعلیم دیده و آموزش‌پذیر و نوجو

- وجود فرهنگ غنی پویا، نوگرا و تحول جو

- میراث تمدنی- فرهنگی غنی و برخورداری از سهمی مهم در سابقه تمدنی جهان

- شرایط مساعد و پرتنوع اقلیمی

تحولات اجتماعی ایران :

در بحث تحولات حوزه اجتماعی، مهمترین تغییرات مربوط به جمعیت، شهرنشینی و آموزش را معرفی کرده و نگاهی خواهیم داشت کوتاه و گذرا به مسأله زنان.

• جمعیت:

ایران، در زمینه مهار رشد جمعیت و کاهش نرخ آن شگفتی محافل جهانی را برانگیخته است. جدول ۲ تغییرات نرخ رشد جمعیت را طی سالهای ۵۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد.

جدول ۲- تغییرات نرخ رشد سالانه جمعیت، طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۵۵

(درصد)

دوره	کل کشور	مناطق شهری	مناطق روستایی	نرخ رشد سالانه جمعیت شهرنشین
۱۳۶۵-۵۵	۳/۹۱	۵/۴۱	۲/۳۹	۵/۴
۱۳۷۰-۶۵	۲/۴۶	۳/۴۷	۱/۲۱	۳/۵
۱۳۷۵-۱۳۷۰	۱/۴۷	۲/۹۵	-۰/۶۵	۲/۹

منبع: گزارشهای مرکز آمار ایران

کاهش نرخ رشد جمعیت در کل کشور و مناطق شهری و روستایی، دستاورد مهمی است که قابل انتظار نبوده است. بهبود دیگر شاخصهای جمعیتی نشانگر آن است که تغییرات دموگرافیک در ایران روند مثبتی را طی می‌کند. مهمترین این شاخصها، کاهش ضریب جوانی و در واقع کاهش نسبت جمعیت جوان زیر ۱۵ سال و بالا رفتن میانه سنی جمعیت است که جدول ۳ آن را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۳- تغییرات سنی جمعیت طی دوره ۵۵-۱۳۷۵

(درصد)

سال	نسبت جمعیت کمتر از ۱۵ سال	میانه سنی	جمعیت بالقوه فعال ۱۵-۶۴ سال	نسبت سالخوردگان ۶۵ به بالا
۱۳۵۵	۴۴/۵۲	۱۷/۴	۵۱/۹۶	۳/۵۲
۱۳۶۵	۴۵/۴۵	۱۷	۵۱/۴۶	۳/۰۹
۱۳۷۰	۴۴/۲۸	۱۷/۶	۵۲/۲۳	۳/۴۹
۱۳۷۵	۳۹/۵۱	۱۹/۳۷	۵۶/۱۱	۴/۳۸

منبع: گزارشهای مرکز آمار ایران

رشد جمعیت فعال نمایانگر بهبود عرضه نیروی کار است که البته نظام اقتصادی را برای بهبود شرایط اقتصادی و ایجاد اشتغال تحت فشار قرار می‌دهد. به بیانی دیگر، قبلاً "برنامه‌های توسعه بر" تأمین نیازهای اساسی

جمعیت خردسال و جوان از جمله آموزش جمعیت خردسال تأکید داشت. اما، از این پس جهت‌گیری این برنامه‌ها باید به سوی ضرورت جلب مشارکت جوانان و ایجاد اشتغال برای نیرویی که پایه بازار کار می‌نهد، تغییر کند. درباره سالخوردگان، در سال ۱۳۷۵، ۲۷ درصد از سالخوردگان در یکی از فعالیتهای اقتصادی مشغول به کار بوده‌اند. کارشناسان معتقدند سالخوردگی جمعیت طی دو دهه آینده در ایران مشاهده نمی‌شود در مورد جمعیت وضع نگران‌کننده پدیده مهاجرت است. طی ۲۰ سال اخیر صدها هزار نفر از ایرانیان توانمند و دارای قابلیت‌ها و مهارت‌ها و توانایی‌های بالا از کشور خارج شدند و مهاجران کم سواد و بیسواد و فاقد مهارت وارد ایران شده‌اند.

- شهرنشینی:

شهرنشینی در ایران شتاب یافته است. مهمترین تحولات ۲۰ سال گذشته (۱۳۵۵-۱۳۷۵) در زمینه شهرنشینی در ایران به این شرح است:

- افزایش شمار شهرها از ۳۷۳ نقطه در ۱۳۵۵ به ۶۱۴ نقطه در ۱۳۷۵
- افزایش شمار کلانشهرها (شهرهای دارای بیش از ۱ میلیون نفر جمعیت) از ۲ شهر به ۵ شهر
- افزایش ۲۰ میلیون نفر بر جمعیت شهری
- ۷۹ درصد از کل رشد جمعیت به کانون‌های شهرنشین تعلق داشته است
- پیشی گرفتن نرخ رشد جمعیت شهری (۴/۳ درصد) در این دوره بر رشد جمعیت روستانشین (۱/۳۳ درصد)

نکته مهم آن است که رشد شهرنشینی ایران را نباید شاخص توسعه تلقی کرد. زیرا معلول تکامل و پویایی اقتصادی نبوده است. بلکه عدم دسترسی روستاییان به درآمد مکفی و فرصتهای شغلی مناسب، آنان را روانه شهرها کرده است.

- آموزش:

نرخ باسوادی نیز طی دوره ۲۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ روبه افزایش بوده است.

جدول ۴- نرخ باسوادی طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۷۵
(درصد)

سال	نرخ باسوادی
۱۳۵۵	۴۷/۶
۱۳۵۶	۶۱/۷۵
۱۳۷۵	۷۹/۵

منبع: گزارشهای مرکز آمار ایران

نرخ باسوادی در جمعیت فعال کشور (۱۵ تا ۳۹ ساله) به ۹۲/۹ درصد رسیده است. طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، روستاییان بیش از شهرنشینان و زنان بیش از مردان از امکانات سوادآموزی بهره‌مند شده‌اند. شمار دانش‌آموزان با نرخ رشد ۳/۷ درصد از ۱۳/۷ میلیون نفر در ۱۳۶۸-۱۳۶۹ به ۱۸/۴ میلیون نفر در ۱۳۷۶-۱۳۷۷ رسیده است. در آموزش عالی، بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶، شمار دانشجویان، رشدی ۱۴/۵ درصد داشته است و شمار دانشجویان از ۴۳۱۰۸۷ نفر در سال ۱۳۶۸ به ۶۳۰۲۷۵ نفر در سال ۱۳۷۶ رسیده است. در سال ۱۳۶۸، ۳۴/۶ درصد از دانشجویان در مؤسسات غیردولتی درس می‌خواندند که در سال ۱۳۷۶ این رقم به ۵۳/۶ درصد رسیده است. طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی سالانه به

طور متوسط ۳۲/۳ درصد رشد داشته‌اند (در برابر ۸/۹ درصد رشد مؤسسات دولتي)، و در سال ۱۳۷۶، از کل اعضاي هيأت علمي ۱۱/۹ درصد و از کل فضاهاي فيزيكي ۶۵/۴ درصد به مؤسسات غيردولتي اختصاص داشته است. در سال ۱۳۶۸، تعداد ۴۴۳۰۷ نفر از دانشگاه‌هاي کشور فارغ‌التحصيل شده‌اند، که در سال ۱۳۷۶ اين رقم به ۱۲۶۸۱۳ نفر رسيده است.

- درباره نظام آموزشي ايران مي‌توان نئين اظهارنظر کرد:

- طي ۲۰ سال گذشته هم در آموزش ابتدائي و متوسطه و هم در آموزش عالي، ارقام نمايانگر رشد کمي است و جمعيت فعال و جوان کشور به امکانات آموزشي دسترسي يافته‌اند.
- اما نظام آموزشي با توجه به شتاب تحولات جهاني و بالا رفتن سرعت منسوخ شدن و نو شدن مهارتها و دانشها و تحولات سريع بازار کار از زمان عقب مانده است و نمي‌تواند پاسخگوي اين تحولات باشد و نياز دارد به تحول ساختاري و بازانديشي و مهندسي مجدد مديريت آموزشي، به معنای:

- تغيير استراتژيها و فلسفه‌هاي آموزشي
- نوسازي روشهاي آموزشي و بهره‌گيري از آخرين دستاوردهاي تکنولوژي آموزشي
- تغيير محتوای کتابهاي درسي و برنامه‌آموزشي
- رها ساختن تأکید بر محفوظات و روي آوردن به تأکید بر meta skill هاي مورد نياز جامعه امروز (يادگيري يادگيري، انطباق خلّاق، تلفيق خلّاق، نوآوري و خلاقيت و ...)
- بهره‌گيري از دستاوردهاي انقلاب ارتباطات و انقلاب دييجيتال براي بهبود اثربخشي فعاليتهاي آموزشي

- زنان:

تحولات مربوط به زنان در ايران، به دليل گستردگي و اهميت نياز به تحليلي مستقل دارد. در اینجا صرفاً به پاره‌اي از شاخصهاي مربوط به آن اشاره مي‌شود. جدول ۵ تغييرات اجتماعي مربوط به زنان را نشان مي‌دهد

جدول ۵- تغييرات اجتماعي زنان طي دوره ۴۵- ۱۳۷۵

(ميليون نفر)

سال	کل جمعيت زنان	فعال	شاغل	بيکار	غير فعال اقتصادي	با سواد	بيسوار
						سال به بالا	سال به بالا
۱۳۴۵	۱۲/۴	۱	۰/۹۴	۰/۰۹	۷/۲	۱/۷	۷/۷
۱۳۵۵	۱۶/۴	۱/۵	۱/۲	۰/۲۴	۱۰	۴/۷	۸/۵
۱۳۶۵	۲۴	۱/۳	۰/۹۷	۰/۳۳	۱۵	۱۰	۹
۱۳۷۰	۲۷	۱/۶	۱/۲	۰/۴	۱۷	۱۵	۷/۳

۶/۶	۱۹	۲۰	۰/۲۷	۱/۸	۲	۲۹/۵	۱۳۷۵
-----	----	----	------	-----	---	------	------

منبع: گزارشهای مرکز آمار ایران

زنان طی سه دهه گذشته از سطح سواد بالایی برخوردار شده‌اند به طوری که در سال ۱۳۷۵ ۱۹ میلیون نفر از زنان ۶ سال به بالا با سواد بوده‌اند. ولی هنوز قشر عظیمی از آنان از نظر اقتصادی غیر فعالند (۲۰ میلیون زن از کل ۲۸/۸ میلیون نفر جمعیت غیر فعال اقتصادی کشور) البته، وضعیت اجتماعی زنان نسبت به دهه ۱۳۶۰ بهبود یافته است و سازمانی به نام دفتر مشارکت زنان که رئیس آن مشاور رئیس جمهور است، ایجاد شده تا وضع زنان را بهبود بخشد. این دفتر در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی نماینده‌ای دارد که با عنوان "مشاور وزیر در امور زنان" رسالت دفتر را دنبال می‌کند و سعی دارد با رفع تبعیض‌های موجود در زمینه پرداختها و امتیازات و ایجاد فرصتهای برابر، وضع موجود زنان شاغل را بهبود بخشد.

به طور کلی، سهم زنان در مشاغل مدیریتی بسیار پایین است و به رغم افزایش سهم زنان دارای تحصیلات عالی طی سالهای اخیر، هنوز در این زمینه وضع مناسب نیست. برای مثال، در آموزش و پرورش که زنان وضع بهتری دارند. سهم زنان در مدیریت آموزشی از ۳۶/۱ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده است. نکته جالب این است که تنها ۳/۴ درصد مدیران مرد در آموزش و پرورش در سال ۶۸-۶۹ مدرک لیسانس به بالا داشته‌اند که در سال ۱۳۷۶، این رقم به ۲۷/۸ درصد رسیده است. و این در حالی است که زنان تحصیل کرده دارای شایستگی مدیریتی بسیاری وجود داشته که می‌توانست جایگزین مدیران مرد غیر تحصیل کرده شود. از سوی دیگر، عدم دسترسی زنان به فرصتهایی که برای تربیت مدیران عالی اجرایی فراهم می‌شود، امکان ارتقای آنان را به پستهای مدیریتی سد کرده است. در دوره‌های عالی آموزش مدیریت که در سازمان مدیریت صنعتی برگزار می‌شود، خواه دوره‌های کارشناسی ارشد یا دوره‌های تخصصی بدون مدرک، سهم زنان بسیار ناچیز و در برخی دوره‌ها صفر است. در مرکز آموزش مدیریت دولتی وضع از این بدتر است.

البته آن گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد اشتغال زنان طی ۵ سال ۷۰-۱۳۷۵ بهبود یافته است و بیشترین نرخ رشد اشتغال زنان در مشاغل مدیریتی بوده است. ولی به رغم این رشد هنوز وضعیت مطلوب نیست. جدول ۷ وضعیت زنان را در گروه‌های عمده شغلی طی دو سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ مقایسه می‌کند.

جدول ۷- وضعیت اشتغال مردان و زنان در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۰

(هر هزار نفر)

درصد رشد		سال ۱۳۷۵		سال ۱۳۷۰		گروه‌های عمده شغلی
		زنان	مردان	زنان	مردان	
۸/۲	۱/۷۹	۵۶۶	۱۱۵۴	۵۲۳/۶	۱۰۴۱	کارکنان مشاغل علمی - فنی- تخصصی
۲۶۰	۳۰۵	۴۱	۲۸۳	۱/۵	۷۰	مدیران و کارکنان عالی رتبه اداری
۲۱	۱۸/۷	۱۰۴	۵۱۰	۸۶	۶۲۷	کارکنان امور دفتری و اداری
۱۳۸/۷	۷	۱۰۱	۱۸۷۵	۴۲	۱۷۵۰	کارکنان امور خدماتی، بازرگانی و فروشندگان
۸۸	۰/۵	۳۰۱	۳۰۸۴	۱۶۰	۳۰۷۰	کشاورزان دامداران و ماهیگیران و شکارنیان
۸۹/۹	۷/۴۸	۵۸۷	۴۷۵۱	۳۰۹	۴۲۱۲	کارگران مشاغل تولیدی و امور حمل و نقل
۳۲۹	۱۸/۷	۶۴	۱۱۴۹	۱۵	۹۶۷	کارکنان مشاغل طبقه‌بندی نشده
۴۳/۴	۷/۹	۱۷۶۵	۱۲۸۰۶	۱۲۳۱	۸۶۵/۱۱	جمع
		۵۷۲،۱۴		۰۹۷،۱۳		جمع مردوزن

منبع : گزارش‌های مرکز آمار ایران

در مورد تحولات اجتماعی در ایران، می‌توان نین نتیجه گرفت که شاخص‌های اجتماعی هر نند با سرعتی کند ولی رو به بهبود است و این بهبود در مهمترین شاخص که رشد جمعیت و در پی آن نرخ جوانی است با شتاب بیشتری در جریان است. بهبود این دو شاخص برای توسعه اقتصادی اهمیت بسیاری دارد.

تحولات سیاسی:

مهمترین تحولاتی که در حوزه سیاسی در ایران به چشم می‌خورد، دموکراتیزه شدن نظام سیاسی است. اگر مهمترین ویژگی دموکراسی را جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش بدانیم، نگاهی به تحولات اخیر

ایران نشان می‌دهد که این فرایند آغاز شده است. در جریان انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری (دوره آقای خاتمی) این مشارکت اوج گرفت. این انتخابات و نیز انتخابات شوراهای تجلی رفتار متعالی سیاسی مردم ایران به شمار می‌آیند و نشان می‌دهند، مردم ایران به رغم نداشتن فرصتی برای تمرین دموکراسی، تا نه حد برای رفتار دموکراتیک آمادگی دارند و اگر فضا مساعد شود قادرند در نائوب موازین دموکراتیک عمل کنند. تأکید آقای خاتمی بر توسعه سیاسی و تحقق جامعه مدنی و طرح بحث‌هایی موافق و مخالف درباره آزادی و رابطه آن با دین و دیدگاه اسلام درباره آزادی و حقوق فردی و بحث‌هایی از این قبیل هم فضای سیاسی جامعه ایران را متحول ساخته است و هم نشانه تحول سیاسی است. و راه را برای جلب مشارکت بیشتر گروه‌های مختلف هموار کرده است مهمترین تحولات سیاسی نند سال اخير را مي‌توان ننين برشمرد:

- نزدیک شدن دیدگاه‌های رهبران حکومت به هم، درباره موضوع‌هایی نون نشم‌انداز آینده مطلوب ایران و اولویتهای استراتژیک، رابطه با جهان خارج، اهمیت توسعه سیاسی، ضرورت تحول در نظام قضایی و امثال آن
- شکل‌گیری احزاب و تشکلهای سیاسی و فعال شدن آنان در صحنه سیاسی. در حال حاضر در کشور به طور رسمی حزب و تشکل رسمی بیش از ده فعالیت دارند که اسامي پاره‌ای از آنها به این شرح است:
جامعه روحانیت مبارز و جامعه روحانیون مبارز، جمعیت موفلفه اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، جبهه مشارکت، نهضت آزادی ایران،
- رشد سازمانهای غیر دولتی (NGO ها) و حضور فعالتر آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کشور. آخرین آمار این سازمانها نشان می‌دهد که در پاییز ۱۳۷۸، تعداد ۱۳ سازمان غیر دولتی در زمینه محیط زیست و ۳۱ سازمان در زمینه زنان حضور رسمی و فعال داشته‌اند. (پیوست شماره ۱) شمار انجمنهای حرفه‌ای و تخصصی نیز رو به افزایش است. تنها شبکه مشاوران ایران، ۸ انجمن حرفه‌ای مهم را زیر پوشش دارد که به شرح زیرند:

* انجمن مدیریت مشاوران ایران

* انجمن توسعه و بهبود کیفیت منابع ایران

* انجمن مدیریت ایران

* انجمن طبقه‌بندی مشاغل ایران

* کانون کیفیت توسعه پایدار

* جامعه مهندسين مشاور ایران

* انجمن شرکتهای انفورماتیک ایران

انجمنهای حرفه‌ای و تخصصی بیشمار دیگری نیز ایجاد شده‌اند که در زمینه‌های مختلف حضوری فعال دارند:

- تشکیل شوراهای شهر و روستا که به عنوان مهمترین نهاد دموکراتیک از سال ۱۳۷۷ در سرتاسر ایران طی انتخاباتی دموکراتیک فعالیت خود را آغاز کرد.
- دموکراتیک‌تر شدن فرایند انتخابات که پاسخی است به بالا رفتن رشد سیاسی مردم و تقاضای آنان برای برگزاری انتخابات آزاد. تجلی این امر، انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ است که نه تنها بالاترین میزان مشارکت مردم را در میان انتخابات ۶ دوره ریاست جمهوری جلب کرد، بلکه بالاترین میزان مشارکت مردم در انتخابات طی ۲۰ سال اخیر بوده است. همان گونه که گفته شد رفتار سیاسی مردم در این انتخابات و نیز انتخابات شوراهای نمایندگان آن است که مردم ایران نقدر برای دموکراسی آمادگی دارند.

جدول ۸- مشارکت مرد در انتخابات برگزار شده، طی دوره ۵۸ تا ۷۷

ردیف	انتخابات	تاریخ برگزاری	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده	درصد
۱	رفراندوم تغییر رژیم	۱۰/۱۱/۱ ۵۸	۳۹۱،۸۵۷،۲ ۰	۹۰۸،۴۳۹،۲۰	۹۸/۰۰
۲	خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی	۵۸/۵/۱۲	۳۹۱،۸۵۷،۲ ۰	۷۸۸،۷۲۳،۱۰	۵۱/۴۱
۳	رفراندوم تایید قانون اساسی	۱۱/۱۲/۹ ۵۸	۳۹۱،۸۵۷،۲ ۰	۱۴۲،۶۹۰،۱۵	۷۵/۲۳
۴	اولین ریاست جمهوری	۵۸/۱۱/۵	۳۹۱،۸۵۷،۲ ۰	۹۰۷،۱۵۲،۱۴	۶۷/۸۶
۵	اولین دوره مجلس شورای اسلامی	۵۸/۱۲/۲۴	۳۹۱،۸۵۷،۲ ۰	۶۴۵،۸۷۱،۱۰	۵۲/۱۲
۶	دومین ریاست جمهوری	۶۰/۵/۲	۹۳۰،۴۳۹،۲ ۲	۸۶۹،۵۳۲،۱۴	۶۴/۷۶
۷	سومین ریاست جمهوری	۶۰/۷/۱۰	۹۳۰،۴۳۹،۲ ۲	۳۸۱،۷۳۷،۱۶	۷۴/۵۹
۸	اولین دوره مجلس خبرگان تعیین رهبری	۶۱/۹/۱۹	۸۷۱،۲۷۷،۲ ۳	۹۸۵،۱۴۰،۱۸	۷۷/۹۳
۹	دومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۳/۱/۲۶	۶۱۰،۱۵۴،۲ ۴	۰۷۰،۸۲۲،۱۵	۶۵/۵۰
۱۰	نهارمین ریاست جمهوری	۶۴/۵/۲۵	۸۰۲،۹۹۳،۲ ۵	۵۸۷،۲۳۲۸،۱۴	۵۴/۷۸
۱۱	سومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۷/۱/۱۹	۷۳۶،۹۸۶،۲ ۷	۲۸۱،۷۱۴،۱۶	۵۹/۷۲
۱۲	پنجمین ریاست جمهوری	۶۸/۵/۶	۵۹۸،۱۳۹،۳ ۰	۶۷۷،۴۵۲،۱۶	۵۶/۵۹
۱۳	همپرسی بازنگري قانون اساسی	۶۸/۵/۶	۵۹۸،۱۳۹،۳ ۰	۹۷۶،۴۲۸،۱۶	۵۴/۵۱
۱۴	دومین دوره مجلس خبرگان تعیین رهبری	۶۹/۷/۱۶	۰۸۴،۲۸۰،۳ ۱	۶۱۳،۶۰۲،۱۱	۳۷/۰۹
۱۵	نهارمین دوره مجلس شورای	۷۱/۱/۲۱	۵۵۸،۴۶۵،۳	۰۴۲،۷۶۷،۱۸	۵۷/۸۱

		۲		اسلامی	
۵۰/۶۶	۷۸۷،۷۹۶،۱۶	۰۵۵،۱۵۶،۳ ۳	۷۲/۳/۲۱	ششمین ریاست جمهوری	۱۶
۷۱/۲۰	۰۸۸،۷۱۷،۲۴	۰۰۰،۷۱۶،۳ ۴	۷۴/۱۲/۱۸	پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۷
۸۳/۲۹	۰۷۰،۰۷۶،۲۹	۶۲۰،۹۰۹،۳ ۴	۷۶/۳/۲	هفتمین ریاست جمهوری	۱۸
۴۶/۳۰	۵۱۵،۸۴۷،۱۷	۵۹۷،۵۵۰،۳ ۸	۷۷/۸/۱	سومین دوره مجلس خبرگان تعیین رهبری	۱۹
۶۴/۴۲	۷۳۹،۶۶۸،۲۳	۹۸۲،۷۳۹،۳ ۶	۷۷/۱۲/۷	شوراهای اسلامی کشور	۲۰

جدول ۸ ارقام مشارکت مردم را در انتخابات برگزار شده طی ۲۰ سال اخیر نشان می‌دهد.

این جدول نیز به گونه‌ای دیگر رشد سیاسی مردم را نشان می‌دهد. مردم بیشتر در انتخاباتی شرکت کرده‌اند که می‌دانستند این مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی کشورشان موثر بوده است و در انتخاباتی کمتر حضور یافته‌اند که این حضور را نندان تعیین کننده نمی‌دانستند. ماهیت دموکراتیک دو نهاد مجلس و ریاست جمهوری عامل جذب مردم به حضور فعال در انتخابات این دو نهاد به شمار می‌آید. در میان استانهای کشور، متوسط مشارکت مردم در ۱۶ انتخابات دو دهه اخیر، بالاترین میزان در استان مرکزی و پایین‌ترین آن متعلق به سیستان و بلوچستان (۴۷ درصد) و کردستان (۵۴/۲ درصد) بوده است. (پیوست شماره ۲) دو استان اخیر هر دو در ناحیه مرزی قرار دارند، با بالاترین میزان محرومیت جمعیت آنان از دو اقلیت قومی (بلوئ و کرد) و سنی تشکیل می‌شود. این آمار نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی نتوانسته است مشارکت کامل آنان را جذب کند.

به هر حال جلوه‌های رشد دموکراسی خواه در سطح خرد و یا کلان به خوبی مشهود است ولی متأسفانه نمی‌توان آن را با زبان آمار بیان کرد. برای مثال، تغییراتی هرچند جزئی در رفتار نهادهای سیاسی غیر دموکراتیک، مانند شورای تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان رخ داده است. این نهادها نسبت به مردم و واکنش آنان در برابر عملکردشان و به طور کلی افکار عمومی حساس‌تر شده‌اند.

- حساس شدن نظام حکومت و دولت به افکار عمومی ملی و جهانی. جمهوری اسلامی ایران سعی دارد به ویژه نزد افکار عمومی جهانی، تصویر منفی اولیه را دگرگون سازد. برای اینکار کوشش می‌کند از طریق اصلاح عملکرد به‌ویژه در زمینه‌هایی که افکار عمومی جهانی نسبت به آن حساسیت بیشتری دارد و یا سرمایه‌گذاری تبلیغاتی تصویری مثبت از خویش ارائه دهد. حضور سیاسی و غیر سیاسی آقای خاتمی در این زمینه بسیار موثر بوده است.

- توجه روزافزون به این امر که توسعه اقتصادی در گرو توسعه سیاسی است و ثبات و امنیت سیاسی و داشتن اعتبار نزد جامعه بین‌المللی بستر لازم را برای جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی فراهم می‌آورد.
- فشار برای قانونمند شدن رفتار گروه‌ها و سازمان‌های غیر رسمی و کم‌رنگ شدن حضور غیر قابل کنترل آنها در عرصه‌های اجتماعی - سیاسی. در واقع روند به سمت معتدل‌تر شدن مواضع این گروه‌ها و تن دادن آنان به رفتار در نارتوب قانون و نظم حرکت می‌کند. تأکید آقای خاتمی بر قانون به این تحول کمک کرده است. این گروه‌ها به طور روزافزونی مجبور شده‌اند در برابر گرایش‌های فکری مخالف و اصلاح طلب و ارزش‌ها و اندیشه‌های دموکراتیک، تساهل و تحمل نشان دهند.
- رویارویی دو جریان فکری اصلاح طلب که خواهان اصلاحات اساسی و تسریع فرایند دموکراتیزه شدن جامعه است و جریان رادیکال و محافظه کاری که این اصلاحات را بنیان‌برانداز می‌داند و با تمام نیرو از آرمان حفظ ارزش‌ها و سنت‌ها دفاع می‌کند. این رویارویی همواره طی این ۲۰ سال وجود داشته، ولی دوسه سال اخیر نهره‌ای دیگر به خود گرفته است. نگاهی به تحولات اخیر نشان می‌دهد که جناح رادیکال و محافظه کار حافظ سنت، ناخواسته به اهمیت ارزش‌های دموکراتیک مانند آزادی، احترام به حقوق مردم و ضرورت مشارکت مردم در عرصه‌های اجتماعی - سیاسی اذعان داشته است.

تحولات فرهنگی:

در عرصه فرهنگ، تحولات ششمگiri در ایران رخ داده است. نخست نگاهی خواهیم داشت به رشد کمی محصولات فرهنگی و هنری. جدول ۹، تغییرات فرآورده‌های فرهنگی را طی دوره ۶۷ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد.

نرخ رشد نسبت به ۶۷	۱۳۷۶	۱۳۷۴	۱۳۶۷	
				- کتاب
	۱۵۳۰۷	۱۱۸۳۱	۳۷۳۴	تعداد و عنوان
	۸۲۵۷۱	۶۱۰۰۷	۲۴۲۰۹	تیراژ (هزار نسخه)
	۳۶۴	۳۰۰	۱۳۴	سرانه عنوان برای ۱ میلیون نفر جمعیت با
	۱/۹۶	۱/۵۴	./۸۷	سواد
				سرانه تیراژ به جمعیت با سواد
				- سینما
	۵۲	۵۶	۴۳	تعداد فیلم‌های سینمایی تولید شده
	۲۹۵	۲۹۴	۲۶۰	سالن سینما
				- نمایش
	۳۳۸۵	۱۸۹۹	۱۵۲۵	تعداد اثر اجرا شده
	۱۴۲۸	۱۹۱۳	۴۲۰ مورد	- نمایشگاه هنری برگزار شده
	۴۶	-	۷	- تعداد نگارخانه

خانه فرهنگ و فرهنگسرا (تهران)	-	-	۶۰
- آموزشگاه‌ها و هنرستانهای هنری	۶۰	۱۴۵	۱۶۶
- انجمن هنری	۱۰۳	۲۲۹	۲۷۷

منبع: عملکرد گذشته، تبیین وضع موجود و نشانداز آینده فرهنگ و هنر، گزارش مرحله اول، کمیته فرهنگ و

هنر، شورای فرهنگ و هنر و تربیت بدنی، سازمان برنامه و بودجه، دیماه ۱۳۷۷

همان‌گونه که این جدول نشان می‌دهد، رشد کمی محصولات فرهنگی وضع مطلوبی داشته است، به‌ویژه کتاب. در سال ۱۳۷۵، حدود ۳۱۲۷ ناشر فعالیت داشته‌اند و ۱۱۴۷ کتابخانه عمومی داشته‌ایم که نسبت به سال ۱۳۶۷ دو برابر شده است و ۱۷۴۶ کتابخانه روستایی نیز توسط جهاد سازندگی در روستاها ایجاد شده است. در زمینه موسیقی نیز ۷۰ موسسه و شرکت خصوصی به کار تولید و نشر آثار صوتی اشتغال دارند. در زمینه سینما، موفقیت سینماگران ایرانی در اروپا و آمریکا حکایت از بهبود کیفیت سینما دارد. اما، به رغم اعمال سیاستهایی در جهت رشد کمی و توسعه کیفی هنر در ایران و کوشش در راه ترویج و رونق فعالیتهای فرهنگی و هنری توسعه این بخش با موانعی به شرح زیر مواجه است:

- حضور مستقیم دولت در بازار تولید و فروش کالا و خدمات فرهنگی. ۲۷ درصد از انتشار کتاب حدود یک سوم سینماهای کشور، اداره تمام مجتمع‌های فرهنگی و هنری و فرهنگسراها و تصدی بسیاری از فعالیتهای فرهنگی به عهده دولت است.
- پنبیده بودن فرایند نظارت دولت بر این فعالیتها و ناکارآمدی دستگاههای نظارتی
- ضعف آموزش فرهنگی
- ابهام و روشن نبودن تکلیف نظام نسبت به پایگاه اجتماعی هنر به طورکلی و نیز اهل قلم و هنرمندان به طور خاص
- دستگاههای موازی فرهنگی
- تنوع روزافزون تقاضاهای فرهنگی و روی آوردن جوانان به محصولات فرهنگی خارجی
- ناتوانی در مقابله با تهدیدهای توسعه ارتباطات و بهره‌گیری درست از فرصتهای آن
- وجود مانع ارزشی برای رشد هنر که طی ۲۰ سال گذشته به جای تسهیل خلاقیتهای هنری، سد راه شکوفایی این خلاقیتها شده است.

ولی همان‌گونه که دیده می‌شود، به محض آن که فضا قدری مناسب شده، خلاقیتها رشد چشمگیری داشته است.

اما توسعه اقتصادی و از آن مهمتر توسعه فرهنگی ایران، در گرو تحولاتی است که در مهمترین عنصر فرهنگ یعنی "دین" و مهمترین نهاد اجتماعی یعنی "نهاد روحانیت" باید پدید آید. این تحول هم‌اکنون آغاز شده و به سرعت در حال پیشروی است و اگر وضع به همین گونه ادامه یابد، عامل تحقق توسعه عمیق و پایدار ایران کمک خواهد کرد. حال، نگاهی خواهیم داشت به تحولات حوزه دین.

نماد سازمانی نهاد دین - البته دین اسلام و مذهب تشیع - در ایران، حوزه علمیه است که قدمتی ۱۲ هزار ساله دارد. در ایران نندحوزه علمیه مهم وجود دارد که مهمترین آنها حوزه علمیه قم است. این حوزه، هدایت و نظارت مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیتهای مهم فرهنگی و سیاسی کشور را برعهده دارد و تحولات آن به یقین

تأثیری عمیق بر جریانهای سیاسی - فرهنگی و در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی کشور خواهد داشت. در این نهاد اکنون فرایند تحول عمیق توسعه‌ای آغاز شده است. نقطه شروع این تحول را می‌توان انقلاب اسلامی دانست. آیت‌الله خمینی نوسازی این نهاد مهم را آغاز کرد و آیت‌الله خامنه‌ای، با پشتکار و جدیت و البته به صورت ناآشکار و پنهان این جریان را پیش می‌برد.

محورهای این تحول به شرح زیر است:

۱- نوسازی سازماندهی و تشکیلات:

سازمان و تشکیلات حوزه قبلاً "بافتی سنتی داشته است و درواقع برحسب ساختار قدرت حوزه امور اداره می‌شد. یعنی آیات عظام فارغ از سیستم‌های مدون و تعریف شده، امور آموزشی و غیرآموزشی حوزه را اداره می‌کردند. در سال ۱۳۶۰ به توصیه آیت‌الله خمینی شورایی به وجود آمد مرکب از نند تن از علما و فضلا که اداره امور طلاب و روحانیون را برعهده گرفت. در سال ۱۳۷۱، به توصیه آقای خامنه‌ای این شورا جای خود را به نظام سازمانی مدونی داد که هدفش ایجاد تحول کمی و کیفی در این نهاد و شیوه مدیریت آن بود. درنمودار سازمانی تشکیلات جدید (پیوست شماره ۳) نکات زیر به نشم می‌خورد:

- در راس حوزه شورای مدیریت حوزه قرار دارد که مرکب است از ۷ تا ۱۱ نفر از آیات عظام که در واقع نقش هیأت امناء را دارند. ولی اداره واقعی امور حوزه با شورای اجرایی است که از روحانیون جوان تشکیل شده است. در واقع طبق تشکیلات جدید، قدرت اجرایی از آیات عظام به روحانیون جوانی انتقال یافته است که اکنون سعی دارند در نازیب ضوابط و سیستم‌های تعریف شده‌ای امور را اراه می‌کنند.

- تخصصی شدن فعالیتها و ایجاد بخشهای تخصصی که هر یک در نازیب شرح وظایف تعریف شده‌ای فعالیت می‌کنند. در واقع، از نظر سازماندهی و تشکیلات حوزه می‌خواهد به سازمانی مدرن تبدیل شود.

- ایجاد ۱۵۰ مرکز تحقیقاتی که در زمینه‌های مختلف به فعالیت پژوهشی مشغولند. به این رقم باید ۱۵۰ کتابخانه را افزود که کار اطلاع رسانی را در حوزه باجدیت دنبال می‌کنند. البته این ۳۰۰ مرکز فقط در قم فعالیت دارند.

۲- تحول نظام آموزشی:

در پی پاسخگویی به نیاز تحولی که از سال ۱۳۷۴ مطرح شد، نظام آموزشی حوزه سعی کرد الگوی نظام آموزشی عالی را اقتباس کند. مهمترین تحولات نظام آموزشی حوزه به این شرح است:

- گزینش طلاب: برای انتخاب طلاب امتحان ورودی برگزار می‌شود. در گذشته ورودیهای حوزه از نظر علمی گزینش نمی‌شدند و شمار طلاب زیر دیپلم بسیار زیاد بود. اکنون با برگزاری امتحان ورودی حوزه افراد باسوادتر را جذب کرده است. در حال حاضر برنامه‌ای جداگانه برای طلاب زیر دیپلم وجود دارد که سیاست کلی در جهت حذف آنها است. به طور کلی، حوزه قصد دارد از ورود افراد فاقد شایستگی‌های لازم خودداری کند.

- محتوای برنامه آموزشی: برنامه آموزشی حوزه طبق الگوی نظام آموزش عالی تنظیم شده و سیستم آن واحدی است و رشته‌های تخصصی دارد. و از نظر محتوا دروسی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، علوم تربیتی، حقوق، حقوق بین‌الملل، منطق، فلسفه، عرفان، جغرافیا، ادبیات

فارسي، آيين نگارش، روش تحقيق، به دروس قبلي اضافه شده كه محتوای برنامه را كاملاً "دگرگون ساخته است.

- از نظر مدرک، مدارج علمي طبق الگوي آموزش عالي طبقه‌بندي شده است. در حوزه، نظام آموزشي نهار سطح را دربرمي‌گيرد كه براي هر سطح به شرح زير مدرک داده مي‌شود:
ثقه الاسلام براي فارغ‌التحصيل دوره عمومي (۶ سال)
حجه الاسلام براي فارغ‌التحصيل دوره نيمه تخصصي (۳ سال)
حجه الاسلام و المسلمين براي فارغ‌التحصيل دوره تخصصي (۴ تا ۶ سال)
آيت الله براي فارغ‌التحصيل دوره تخصصي تكميلي كه دوره آن حداقل ۲/۵ سال است و پس از طي آن در يكي از رشته‌هاي علوم انساني به درجه اجتهاد مي‌رسد.
پيشنهادي در دست بررسي است كه قرار است براي تسهيل دستيابي روحانيون به بازار كار و اشتغال آنان در سازمانها، اين مدارج توسط وزارت علوم تأييد شود و يا طبق الگوي موجود آموزش عالي انطباق داده شود. البته افراد تا زماني كه در حوزه هستند نيازي به مدرک ندارند. البته در حال حاضر حوزه ومراكز پژوهشي وابسته به آن در رشته‌هاي اصول، فقه، كلام، فلسفه و تبليغ دكتر مي‌دهد و با اين كار وزارت علوم را دنار سردرگمي كرده است.
- ساير نوآوريهاي نظام آموزشي كه از الگوي آموزش عالي تبعيت مي‌كند، به اين شرح است:
- برقراري نظام هيات علمي و درنظر گرفتن استاد راهنما و مشاور و داور براي رساله‌ها
- ايجاد رشته‌هاي تخصصي كه شامل ۱۵ رشته است و بيشتر در زمينه علوم انساني است
- تقسيم سال تحصيلي به دو نيم سال كه هر يك شامل ۱۶ هفته است.
- راه‌اندازي حوزه خواهران كه افراد داراي مدرک را مي‌پذيرد و محتوای درسي آنان شبیه حوزه مردان است، با تفاوتی جزئی از جمله افزودن دروسي مانند تغذيه و آشپزي و بهداشت و روان وامثال آن
- تربيت مدرس براي دروس علوم ديني، قضاوت و ادبيات عرب
- ايجاد نظام اطلاع‌رساني الكترونيكي پيشرفته. در حوزه علميه قم در زمينه خدمات اينترنت سه Server فعاليت دارند و باتكهاي داده بسياري ايجاد شده است.
- تأسيس دانشگاهي مانند دانشگاه مفيد، باقرالعلوم و دانشگاه علوم قضايي
- اعزام دانشجو به خارج براي تصيل در دوره دكترای فلسفه با ايناستدلال كه براي رد فلسفه مادي بايد آن را شناخت.

۳- تحول بنيادين:

- ارزيابيهاي كه درباره حوزه توسط افراد درون سيستم انجام مي‌شود، نشان مي‌دهد كه مسوولان ديني به ويژه آيت الله خامنه‌اي از وضع موجود حوزه راضي نبوده و نارساييهاي زير را جدي مي‌دانند:
- عدم گسترش متناسب كمی روحانيت. طبق آخرين آماري كه در آذر توسط كميته نهادهای مذهبي و تبليغات اسلامي در شوراي فرهنگ و هنر و تربيت بدني سازمان برنامه و بودجه منتشر شده است، در سال ۱۳۶۷، تعداد ۵۳۵۴۱ مسجد در كل كشور وجود داشته كه در سال ۱۳۷۴ اين رقم به ۵۷۶۳۵ رسيده

است. و در سال ۱۳۷۵، طبق گزارش معاونت اداری - مالی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، حدود ۵۷ روحانی و طلبه علوم دینی در سراسر کشور وجود داشته است که با توجه به جمعیت کشور، به هر ۱۰۵۰ نفر جمعیت یک روحانی تعلق می‌گیرد.

• عدم گسترش محتوایی حوزه و وجود مسایل حل نشده فقهی و کلامی بسیار. به نظر آیت‌الله خامنه‌ای، از نظر محتوایی حوزه در فقه، فلسفه و کلام و حقوق و حتی در اخلاق از زمان عقب مانده است و محصول علمی - فقهی و کلامی برای زمان خود ندارد، و روحانیون کشور در حد یک عالم متناسب با زمانه امروز نیستند.^۱

- عدم گسترش مطلوب در نشر و تبلیغ
- عدم تحول در فقاها و کلام
- عدم گسترش کافی علم کلام

آیت‌الله خامنه‌ای برای خروج از وضع موجود راه‌های زیر را ارائه می‌دهند:

- قبول درد
 - همت گماشتن به علاج
 - بیدار شدن روح کار در فضیلا و جوانان حوزه
 - ایجاد مرکزی برای تصدی برنامه تحول
 - ایجاد محیط‌های باز برای پرورش افکار
 - تغییر کتب درسی یا اصلاح آنها و حذف مباحث بی‌فایده
 - ایجاد رشته‌های مستقل
 - وارد کردن تدریس زبانهای خارجی
 - تقسیم تدریجی طلاب و ایجاد گرایشهای تخصصی برحسب اهداف
 - انتخاب افراد واجد شرایط برای ادامه کار و تربیت فقیه زبده
- ایشان برنامه اجرایی پیشنهادی خود را حول سه محور زیر ارائه داده‌اند:
- حفظ حوزه از نظر کمی و کیفی
 - ترمیم به معنای تربیت عناصری برای جایگزینی عناصر فعلی و آفریدن مفاهیمی که جایگزین مفاهیم مندرس و کهنه شود و به کمال رساندن فضای ذهنی
 - بالندگی به معنای پیشرفت و یک قدم جلو رفتن و آفاق تازه‌ای را کشف کردن، به معنای باز شدن آفاق نویی هم در حوزه "علم" یعنی فقاها و هم در "محصول علم" یعنی مباحث فقهی و نیز در اصول و کلام.

اجرای این برنامه از سال ۱۳۷۴ تا کنون در دستورکار حوزه قرار گرفته است. البته، موانع جدی بسیاری بر سر راه اجرای این تحول وجود دارد و به همین دلیل بحث در این باره نندان در مطبوعات بازتاب نیافته

۱ درباره دیدگاه و نظرات آیت‌الله خامنه‌ای که در این مقاله مورد استفاده است، مراجعه شود به متن سخنان ایشان که در تابلیز سال ۱۳۷۴ در دیدار بزرگان و فقهایی حوزه علمیه در قم ایراد شد و متن کامل آن در منابع مختلف از جمله منبع زیر به طور کامل درج شده است. حجت‌الاسلام والمسلمین/حسینی الهائمی، "تحلیل موضوعات برنامه" از انتشارات دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، مرداد ماه ۱۳۷۵

است. اصلاحات سازمانی و نیز تحول آموزشی که به آن اشاره رفت، در جهت اجرای همین برنامه تحول صورت گرفته است.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان گفت تحولی درحد رنسانس در عمق نهاد دین در جریان است و این تحول، همه جانبه، فراگیر و عمیق بوده و در حال شتاب گرفتن است. پیدایش نسل جدیدی از روشنفکران دینی که گفت‌وگوهای جدیدی درباره مهمترین مباحث دینی به راه اندخته‌اند، با تحول حوزه همگام شده و هر چند به ظاهر در مواردی همسو به نظر نمی‌رسند، ولی در واقع هر دو عامل نوسازی حوزه و نهاد روحانیت به شمار می‌آیند. البته در برابر این موج نیروهای مقاوم بسیاری وجود دارند که به طور عمده در میان آیات عظام و روحانیون سنت‌گرای حوزه قرار دارند، ولی به نظر نمی‌رسد بتوانند در برابر این سیل بنیان‌کن مقاومت کنند. نهاد روحانیت ۲۰ سال است که با واقعیتهای جهان امروز درگیر شده و امروزه در نقطه‌ای قرار دارد که مجبور است واقعیتهای را بپذیرد و به همین دلیل سعی دارد طبق قاعده بازی زمانه امروز جهان پیشرفته رفتار خود را تنظیم کند. تحقق این امر، مهمترین مانع توسعه‌ای ایران را رفع خواهد کرد.

جمع‌بندی

تصویری که از اوضاع ایران ارائه شد، بر اساس آمار و واقعیتهای موجود ما را به این نتیجه می‌رساند که تحولات ایران حول سه محور یکپارته و منسجم و همساز در جریان است که به ترتیب اهمیت عبارتند از:

۱- مهمترین روندهای تحول در عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ و در واقع درمؤثرترین لایه یعنی در دین در جریان است. رنسانس دینی، ایران را وارد مرحله تازه‌ای از حیات سیاسی - اجتماعی خویش خواهد کرد.

۲- روند دموکراتیزه شدن نظام سیاسی که باعث پدید آوردن ساختارها و سازمانهای دموکراتیک و باز شدن فضا برای رشد ازادیهای فردی، شکوفایی خلاقیتها و تحقق حقوق افراد و سازمانها خواهد شد و سرانجام به ایجاد امنیت و ثبات سیاسی کمک خواهد کرد که لازمه توسعه اقتصادی است.

۳- روند لیبرالیزه شدن و جهانی شدن اقتصاد که هر چند کندتر از دو جریان دیگر آغاز شده است ولی با رفع موانع فرهنگی و سیاسی، سرعت خواهد یافت.

مردم ایران، به ویژه پس از روی کار آمدن آقای خاتمی بار دیگر غرور ملی از دست رفته خود را بازیافته‌اند حضور آقای خاتمی در صحنه جهانی به عنوان متفکر سیاسی و اشاعه دهنده تفکری تازه در زمینه سیاست بین‌الملل و طرح اندیشه‌های نوینی نون گفت و گوی فرهنگها و اخلاق سیاسی نوین و نگاه انسانی به مدیریت سیاسی، در سطح ملی و جهانی، عامل بسیار مهمی است در تسریع تحولات اخیر ایران. درخشش غیر منتظره ایران در عرصه‌های فوتبال و سینما در جهان، به احیای این غرور و باور ملی کمک کرده است و افکار عمومی در مقایسه با گذشته برای همدلی با دولت و همگامی با جریان تحولات آماده تر است. البته باید به یاد داشت که معمولاً افکار عمومی متأثر از رویدادهای خاص بوده و بر حال تمرکز دارد و کمتر عمق‌نگر و آینده‌نگر است.

اگر به فرض اصلی این نوشته بازگردیم که مسایل اقتصادی ایران از اهمیت و اولویت برخوردارند، ولی حل مشکلات اقتصاد ایران در گرو رفع موانع غیر اقتصادی است، با تحلیلی که ارائه شد به نظر می‌رسد می‌توان ادعا کرد که این موانع در حال برطرف شدن هستند. اگر روحانیت "امروزین" شود و تفکر حاکم بر آن

الزامات زمانه امروز و جامعه پیشرفته را درك كند، موانع فرهنگي و حقوقي ونيز موانع سياسي توسعه اقتصادي سريعتر برطرف خواهد شد.

NGO های محیط زیست

۱. کانون کیفیت و توسعه پایدار زنان
۲. آرمان سبز
۳. آوای سبز
۴. انجمن حفظ محیط کوهستان
۵. انجمن دوستداران حیوانات
۶. انجمن دوستداران طبیعت
۷. انجمن متخصصان محیط زیست
۸. پیام سبز
۹. جبهه سبز ایران
۱۰. جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست
۱۱. جمعیت سبز پوشان گیلان
۱۲. حامیان اندیشه سبز
۱۳. گروه سبز نوجوان

NGO های زنان

۱. جمعیت مامایی ایران
۲. انجمن اسلامی پزشکان
۳. مؤسسه رابطین بهداشتی شیراز
۴. انجمن زنان زرتشتی
۵. مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
۶. واحد تعاونیهای زنان روستایی
۷. تعاونی مهندسی و مشاوره پارسگوی زنان
۸. دفتر نمایندگی کلیمیان ایران
۹. انجمن زنان ارمنی
۱۰. بنیاد زینب کبری
۱۱. مؤسسه اسلامی زنان
۱۲. پیام زن
۱۳. جامعه زینب
۱۴. انجمن بانوان نیکوکار کهریزک
۱۵. انجمن نیکوکاری یاسمن
۱۶. مؤسسه ملیکا

۱۷. انجمن طرفدار صلح
۱۸. انجمن اهل بیت
۱۹. تعاونی زنان روستایی (۶۰ تعاونی در حد روستاها)
۲۰. کانون زنان دانشگاه صنعتی شریف
۲۱. انجمن زن و خانواده
۲۲. تعاونی نجم
۲۳. کانون بانوان و دوشیزگان کلیمی
۲۴. سازمان دفاع از قربانیان خشونت
۲۵. مؤسسه امداد خیریه خاتم الانبیا
۲۶. پیام هاجر
۲۷. مرکز مطالعات و تحقیقات مسائل زنان اسلامی
۲۸. مؤسسه تحقیقات رشد علم
۲۹. تعاونی بهداشتی درمانی پاستور مشهد
۳۰. تعاونی بانوان کوثر یزد
۳۱. انجمن آشوریان

شبکه مشاوران ایران

۱. انجمن مدیریت مشاوران
۲. انجمن توسعه و بهبود کیفیت صنایع ایران
۳. انجمن مدیریت ایران
۴. انجمن حسابداران خبره
۵. انجمن طبقه‌بندی مشاغل ایران
۶. کانون کیفیت توسعه پایدار
۷. جامعه مهندسين مشاور ایران
۸. انجمن شرکتهای انفورماتیک ایران

میزان درصد مشارکت مردم استانها در ۷ دوره انتخابات ریاست جمهوری

ردیف	نام استان	معدل درصد مشارکت در ۷ دوره انتخابات ریاست جمهوری
۱	قم	۹۲/۵۹
۲	مرکزی	۹۱/۴۵
۳	لرستان	۸۳/۴۶
۴	ایلام	۸۱/۷۹
۵	سمنان	۷۷/۵۵
۶	یزد	۷۶/۳۸
۷	کهگیلویه و بویراحمد	۷۳/۶۲
۸	زنجان	۷۲/۴۴
۹	کرمان	۶۹/۷۱
۱۰	همدان	۶۹/۰۴
۱۱	فارس	۶۸/۷۲
۱۲	اصفهان	۶۸/۰۱
۱۳	بوشهر	۶۷/۶۱
۱۴	مازندران	۶۶/۵۹
۱۵	نهارمحال و بختیاری	۶۵/۵۱
۱۶	خراسان	۶۵/۰۴
۱۷	تهران	۶۱/۷۱
۱۸	اردبیل	۶۱/۴۰
۱۹	خوزستان	۵۹/۰۳
۲۰	هرمزگان	۵۸/۶۵
۲۱	آذربایجان شرقی	۵۸/۴۲
۲۲	گیلان	۵۷/۳۱
۲۳	کرمانشاه	۵۷/۱۰
۲۴	آذربایجان غربی	۵۴/۱۵
۲۵	کردستان	۵۰/۴۰
۲۶	سیستان و بلوچستان	۴۲/۰۳

منبع: ستاد انتخابات کشور، مهرماه ۱۳۷۸

معدل میزان درصد مشارکت مردم در ۱۶ انتخابات برگزار شده

ردیف	نام استان	کل انتخابات	شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	ریاست جمهوری	مجلس خبرگان
۱	آذربایجان شرقی	۵۳/۸۹	۶۵/۹۸	۵۷/۵۵	۵۸/۴۲	۵۳/۱۸
۲	آذربایجان غربی	۵۶/۹۴	۷۲/۳۴	۶۰/۳۶	۵۴/۱۵	۵۲/۶۲
۳	اردبیل	۶۲/۳۰	۷۴/۲۰	۷۰/۳۶	۶۱/۴۰	۴۴/۱۴
۴	اصفهان	۶۲/۲۳	۵۴/۱۱	۶۱/۶۸	۶۸/۱۰	۵۲/۹۰
۵	ایلام	۸۰/۱۱	۹۳/۲۹	۷۵/۸۵	۸۱/۷۹	۷۸/۸۷
۶	بوشهر	۶۶/۷۹	۷۳/۱۵	۶۴/۱۳	۶۷/۶۱	۶۷/۴۱
۷	تهران	۵۴/۹۶	۳۹/۰۳	۵۲/۹۳	۶۲/۶۲	۴۷/۳۹
۸	نهار محال و بختیاری	۶۷/۶۴	۸۸/۷۷	۷۲/۶۶	۶۵/۵۱	۵۷/۲۱
۹	خراسان	۶۲/۵۷	۶۷/۲۳	۶۱/۲۸	۶۵/۰۴	۵۷/۳۹
۱۰	خوزستان	۶۰/۷۶	۶۶/۶۸	۶۶/۹۰	۵۹/۰۳	۵۲/۵۹
۱۱	زنجان	۶۷/۷۳	۷۰/۵۱	۷۰/۱۶	۶۶/۹۸	۵۹/۱۰
۱۲	سمنان	۷۴/۹۰	۷۲/۰۲	۷۶/۳۲	۷۷/۵۵	۶۷/۳۲
۱۳	سیستان و بلوچستان	۴۷/۴۸	۸۵/۸۲	۴۶/۸۶	۴۲/۰۳	۴۸/۹۶
۱۴	فارس	۶۴/۵۸	۶۸/۴۹	۶۲/۷۶	۶۸/۷۲	۵۵/۹۸
۱۵	قزوین	۶۳/۷۱	۷۴/۹۸	-	-	۵۲/۴۴
۱۶	قم	۶۷/۰۶	۵۰/۰۵	-	۹۲/۵۹	۵۸/۵۴
۱۷	کردستان	۵۴/۲۰	۸۷/۲۱	۵۶/۰۶	۵۰/۴۰	۵۰/۵۵
۱۸	کرمان	۶۶/۳۴	۷۹/۸۷	۶۴/۳۰	۶۹/۷۱	۵۷/۱۷
۱۹	کرمانشاه	۵۷/۴۵	۷۵/۳۶	۵۶/۲۹	۵۷/۱۰	۵۳/۹۱
۲۰	کهگیلویه و بویر احمد	۷۴/۸۴	۹۹/۹۹	۷۸/۱۰	۷۳/۶۲	۶۳/۸۵
۲۱	گلستان	۷۱/۳۵	۷۸/۱۴	-	-	۶۴/۵۵
۲۲	گیلان	۵۹/۹۵	۷۲/۵۷	۶۲/۱۸	۵۷/۳۱	۵۷/۲۹
۲۳	لرستان	۷۳/۵۱	۷۷/۹۹	۶۷/۳۰	۸۲/۴۶	۶۱/۱۵
۲۴	مازندران	۶۶/۸۳	۷۵/۲۵	۷۰/۱۳	۶۶/۵۹	۵۹/۱۰
۲۵	مرکزی	۸۴/۱۳	۶۴/۷۰	۸۳/۵۶	۹۱/۴۵	۷۴/۵۰
۲۶	هرمزگان	۵۸/۵۵	۷۹/۶۸	۵۸/۳۵	۵۸/۶۵	۵۱/۶۱
۲۷	همدان	۶۴/۳۶	۶۳/۸۶	۶۲/۲۶	۶۹/۰۴	۵۶/۶۷
۲۸	یزد	۷۲/۶۱	۶۵/۸۶	۶۹/۶۲	۷۶/۳۸	۶۵/۰۴
	درصد کل آرای اخذ شده به واجدین شرایط	۶۰/۸۸	۶۴/۴۲	۶۲	۶۴/۲۳	۵۰/۹۸

منبع: ستاد انتخابات کشور، مهرماه ۱۳۷۸

